نقدی بر کتاب «پژوهشی در رسم المصحف»

خوب شد که عبارت را خواندم. چون پیش نمی رفت. هفته قبل گفتم به سه چیز برخورد کرده‌ام؛ در اینکه به‌وضوح می‌گویند دیدگاه شیعه این است. خب این اجماعاتی که در اینجا داریم که لااختلف فیه احد، اما در زمان ما یک دفعه به این صورت می‌شود. یکی کتابی بود که خدمت شما عرض کردم. اجازه دادند و من در کتاب هم دست بردم. من که مطالعه می‌کردم به صفحه هشتاد و سه رسیدم. دیدم که از محقق اول مطلبی را نقل می‌کنند؛ محقق حلی می‌گوید... . تا من عبارت را خواندم در فضای طلبگی گفتم صد در صد این عبارت محقق نیست. بعد رفتم مراجعه کردم؛ چون از المختصر محقق آدرس داده بودند، دیدم این مقدمه محقق کتاب است. عبارت محقق کتاب را به ایشان نسبت داده بودند. خب مانعی ندارد، این اتفاق می‌افتد.

شاگرد: ایشان هم محقق است!

استاد: بله! ولی سال فوت او را هم نوشته است! محقق، هم حلی نیست و هم اینکه محقق حلی متوفای 670 است. خب عبارت معلوم بود؛ در مختصر که متن فقهی بود این بیاید؟! وقتی شما نگاه کنید اصلاً نمی خورد. ولی خب می‌شود، در جستوجوهای امروزی می‌شود. آدرس صفحه هم داده بود، جلد یکم، صفحه 17. معلوم بود که برای مقدمه است. خب این به‌عنوان اینکه لبخندی هم زده باشید.

شاگرد: اسم کتاب چیست؟

استاد: پژوهشی در رسم المصحف. انصافا کتاب خوبی است. من که این کتاب را دیدم، الآن که شصت را در کردم، گفتم اگر از روز اول طلبگی این کتاب درسی برای ما بود، خدا می‌داند که چقدر جلو بودیم. یعنی چیزهایی در این کتاب هست که بعد از شصت سال شنیدم! در این کتاب چقدر زحمت کشیده‌اند. کتاب خیلی خوبی است. خلاصه اساتیدی بودند که اهل فن بودند و رشته آنها بوده، حفظهم الله و جازاهم الله خیرا!

شاگرد: پس چطور محقق کتاب را به جای محقق حلی جا زدند؟

استاد: نه، آن برای دستگاه کامپیوتر امروز است. یعنی اگر کتاب غیر فایلی در دستشان بود، تمیزی می‌دادند. در جست و جو این قسمت می‌آید و بعد هم کپی می‌کنند و با آدرس می‌آید و می‌گوید مختصر النافع صفحه فلان. مؤلف هم می‌گوید محقق. این برای اشتباهاتی است که به‌خاطر کامل نبودن نرم‌افزارها است. یعنی مقدمه را از آن جدا کن و اگر مطلبی از مقدمه است بگوید که برای کتاب نیست. این ازاین‌جهت است و الا خدا می‌داند که سر سوزنی قدحی برای این اعزه نیست. این اتفاق می‌افتد.

حاج آقای حسن زاده مکرر می‌فرمودند آقا قلم به دست بگیرید، نصف صفحه مطلب علمی بنویسید، آن وقت می‌فهمید یعنی چه! نصف صفحه بنویسید، آن وقت می‌فهمید که علماء چه زحمتی کشیده‌اند. حاج آقای بهجت می‌فرمودند که آن آقا –معروف هم هستند- بعضی از صفحات را

می‌نوشت و مطلب تحقیقی را سر می‌راند اما خودش با زبان خودش آن‌ها را می‌لیسید. با مرکب می‌نوشت و خودش می‌لیسید. یعنی می‌دید که من چه نوشته ام! می‌لیسید که محو شود. منظور این‌که نمی‌خواهیم زحمت علمی کسی را تخطئه کنیم.

بازبینی #2
ایجاد شده 25 آوریل 2024 10:25:25 ب.ظ .
به روزرسانی شده 1 ژوئن 2024 14:03:35 ب.ظ .